

شوراهای شرم گین

نگاهی به رفتار و گفتار دو نامزد پر وعده که در نهایت انصراف دادند



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

هنگام انتشار این نوشته به احتمال زیاد تکلیف برنده انتخابات ریاست جمهوری روشن شده و نهایت این است که به دور دوم کشیده شده و جمعه ۱۵ تیر شاهد رقابت نهایی بین دو نفر خواهیم بود.

شخصاً آرزوی منم که کم کار در مرحله اول تمام شده باشد و نیازی نیست گفته شود آرزوی نویسنده پیروزی کدام یک است.

اکنون -زمان تحریر مطلب- البته اگر چه برنده مشخص نیست اما بازندگان انتخابات و مشخصاً یک نفر به عنوان بازنده مطلق مشخص اند؛ دو نامزدی که در واپسین ساعات و به رغم قول صریحی که در مقابل بینندگان داده بودند، انصراف دادند و شهادت آن را هم نداشتند تا بگویند به سود کدامیک از دو نامزد دیگر (سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف) و وقتی رئیس ستاد یکی گفت امکانات ستاد را در اختیار آقای قالیباف قرار می‌دهیم نامزد منصرف تکذیب کرد چرا که نمی‌خواست خطر کند و حدس می‌زد شاید دیگری (جلیلی) بماند و در واقع سر او بی‌کلاه بماند.

برنده انتخابات یا مومول شدن نتیجه به مر حله دوم امروز شنبه مشخص شده اما بازندگان قبل از شروع انتخابات باخند و به قول بازیگر آن سریال تلویزیونی بد هم باخند. چرا که اخلاقی را باخند و به خاطر پناه‌هایی که یافتند و لاف گراف که بر زبان رانند و وعده طلای ناب و گوشت گرم گوسفندی در خانه‌ها مشخصه خاص و عام شدند.

برخی از حقوق دانان معتقدند می‌توان با باید هزینه کلانی را که بی‌جهت صرف این دو شد و مناظره‌ها و تبلیغات تلویزیونی را نادانانه کرد از آن بازستاند یا دست کم باید خواست در قانون تجدیدنظر شود تا در نوبت‌های بعد مجال این سوء استفاده فراهم نباشد.

در مقابل گفته می‌شود اگر چه رفتار علیرضا زاکانی و قاضی زاده هاشمی در انصراف دیر هنگام به رغم استفاده فراوان از امکانات مختلف و تأکید بر ماندن غیر اخلاقی بوده ولی غیر قانونی نبوده و پیگرد و جریمه یا بر آن مترتب نیست.

در واکنش به انتقاد از رفتار دو نامزدی که با وعده‌های بسیار هر اتمام که خواستند وارد ساختند و در نهایت کنار کشیدند برخی این گونه توجیه می‌کنند که در دوره‌های گذشته هم مسوق به سابقه بوده و مگر محمد رضا عارف در سال ۹۲ و اسحاق جهانگیری در سال ۹۶ هر دو عملاً یا مشخصاً به نفع حسن روحانی کنار نکشیدند؟

این پرسش البته مهم است اما پاسخ کاملاً روشنی دارد:

نخست اینکه آن انصراف‌ها به خواست هواداران بود و از کف (پایین) مطالبه شده نه آنکه اراده‌ای فراتر از آنها بخواد و نه تنها نقدی را متوجه آنها نساخت که در سوسی مقابل هم ولو تکرار شد و هر دو طیف به این کناره‌گیری بالیدند تا جایی که برای آقای حداد عادل هم که انصراف او تأثیری بر نتیجه نداشت مراسم تجلیل برگزار کردند. عارف کنار رفته و روحانی پیروز شده بود و از حداد عادل که در جبهه مقابل کنار کشیده بود تجلیل کردند. آیا قرار است از آقایان زاکانی و قاضی زاده هاشمی هم تجلیل شود!؟

پس منحصر به یک سسو نبود و نقض کامل عدالت و انصاف در توزیع امکانات تبلیغاتی و رسانه‌ای به حساب نیامد. دوم اینکه در آن دوره‌ها هیچ‌یک از سه نامزد اشاره شده (عارف، جهانگیری و حداد عادل) با قاطعیت نگفته بودند تا پایان خواهند ماند و احتمال کناره‌گیری را رد نکرده بودند. نکته مهم‌تر اما این است که بیشترین وعده‌های پوچ و پوک را دادند و نتوانستند لاف زنده به گراف و قصه این دو حتی از احمدی‌نژاد هم فراتر رفت و به رغم همه این مدعاها ناگهان عرصه را خالی کردند! اگر چه رفتار یکی که در سوگ رئیس جمهور فقید سیاه پوشیده و خود را یگانه میراث‌دار و ادامه‌دهنده راه او دانسته و ناگاه صحنه را ترک کرده بود رفتاری قابل پیش بینی بود اما مغایر پاسخی بود که بر ابراهیم متقی کارشناس برنامه میزگرد سیاسی داده و گفته بود: سال ۱۴۰۰ هم تا آخر

رخداد بین الملل

ماندم. دیگری هم گفت می‌مانم تا نگذارم پزشک‌های رئیس جمهوری شود و انتقادات به خاطر باز نشر گسترده این دو گفته است.

این نقد نه به خاطر آن است که این دو وزنی داشتند و می‌توانستند بازی را تغییر دهند بلکه به دلایلی دیگر است و در واقع متوجه شورای نگهبان است که با کدام معیار کسانی چون علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری و حتی مهرداد بذریاش را راجل سیاسی ندانست و این دورا دانست و در مورد علیرضا زاکانی علاوه بر شورای نگهبان متوجه شورای شهر تهران چرا که به عنوان منتخب و پرکشیده آنان و شهردار تهران کاندیدای ریاست جمهوری شد.

شورایی که هم‌زمان با انتخابات ۱۴۰۰ در فضای سرد غیررقابتی و با کاهش مشارکت شکل گرفت و وقتی شکل گرفت خروجی آن علیرضا زاکانی بود یا هیچ سابقه و تخصصی در اداره شهر.

شورای شهر تهران در حالی زاکانی را به شهرداری برگزید که از ابتدا مشخص بود او اسب خود را برای پاستور زین کرده است. کما اینکه مسئولیت‌های قبلی را نیمه‌تمام گذاشته بود و از همه شگفت‌انگیزتر نماینده مردم قم بود تنها با این ادعا که گویا خانه‌ای در قم دارد.

شاید بگویند اگر عطش او بیشتر به چشم آمد به خاطر برگزاری انتخابات زود هنگام بود و گزینه اگر آن سلسله رخ نداده بود سال دیگر و به صورت طبیعی عمر شورای ریاست جمهوری دوره اول آقای رئیسی با هم به پایان می‌رسید و کاندیداتوری او خلی وارد نمی‌ساخت.

داستان اما بر سر این نیست، بر سر گفتار و رفتار آن دو و مشخصاً آقای زاکانی در جریان انتخابات با طرح ادعاهای واهی است. چگونه فردی که در این سه سال با عمق مشکلات حمل و نقل شهری آشنا شده و به خرید اتوبوس از چین با پول نفت خودمان می‌بالد، شعار حذف بنزین سه هزار تومانی و تقلیل قیمت آن به ۱۵۰۰ تومان را می‌دهد که به معنی گسیل بیشتر خودروها به معیار شهری است تازه اگر مقذور باشد.

در این نگاه او در مناظره فقط کاندیدا نبود. شهردار تهران بود که آن گونه سخن گفت و گاه بی ادبانه‌ترین لحن را به کار می‌گرفت.

اینکه مجری ثانیه‌ها را در مناظره‌ها محاسبه کند تا حقی ضایع نشده باشد و آن‌گاه آن دوپس از استفاده از ساعت‌ها وقت مردم کنار بکشند تنها وجه تأسف‌بار ماجرا نیست. اگر چه نقد اصلی متوجه شورای نگهبان است اما یکی از این دو منتخب و برآمده شورای شهر تهران است و باید اعضای شورای را به فکر وادار تا چه حد انتخابشان درست بوده است؟

حکایت رئیس شورای شهر تهران البته قابل توجه‌تر است. او در سال ۸۲ حامی محمود احمدی نژاد برای شهرداری تهران بود و از همین سکو او را به ریاست جمهوری رساندند و کنفرانس بین دو مرحله انتخابات را در شورای شهر برپا کرد و اگر شورایی‌ها بعد از کمپایی او در مرحله دوم مسئولیتی در دولت احمدی نژاد نپذیرفتند از این رو بود که عضو علی‌البدلی که در غیاب آنها وارد شورای می‌شد مصطفی تاج‌زاده بود و نمی‌خواستند تک‌دستی‌شان آسیب‌بینند.

شورای کنونی شهر تهران اما اکنون دیگر با شهرداری رویه‌رو نیست و رئیس جمهوری شده باشد. شهردار منتخب و پرکشیده آنان هر چه خواست گفت و هر اتهامی وارد کرد و انواع و اقسام وعده‌ها را داد و ناگهان کنار کشید. شورا و آقای چمران با باید رفتار زاکانی را تأیید و ستایش کنند و حتی مراسم ویژه‌ای در تجلیل از او برگزار کنند و در صورت موفقیت یکی از دو نامزد اصلی اصول‌گرا او را دخیل بدانند یا باید شرم خود را ابراز کنند به سبب آنچه در مناظره‌ها و وعده‌ها از منتخب‌شان سر زد و این دو می اخلاقی تر است.

در باب شرم مارک تواین می‌گوید: «انسان، تنها موجودی است که سرخ می‌شود و به این سرخ شدن نیاز دارد». کارل مارکس اما تعریف مدرن‌تری از شرم ارائه می‌دهد و آن را «نوعی خشم به خویشتن» می‌داند. نویسنده کتاب «در ستایش شرم» هم معتقد است: «چون، خشم به خویشتن نداشته‌ایم به نقد خویشتن نپرداخته‌ایم اما حس شرم هم نداشته‌ایم».

داستان شورای نگهبان به جای خود چرا که از اساس ساز و کار تعیین صلاحیت در آن قابل تأمل است اما آیا نمی‌از شرم می‌توان بر جبین شورای شهر جُست؟

واکنش حماس به تصمیم جدید تل آویو درباره تشکیلات خودگردان

گروه خبر: جنبش حماس روز گذشته در بیانیه‌ای موافقت کابینه امنیتی اسرائیل با پیشنهادات وزیر دارایی این رژیم برای ممانعت از به رسمیت شناختن کشور فلسطین و مجازات تشکیلات خودگردان فلسطین را گامی در جهت تسلط کامل بر کرانه باختری اشغالی ارزیابی کرد. به گزارش ایسنا، در بیانیه جنبش حماس آمده است: «کابینه امنیتی رژیم اشغالگر تصمیمی برای گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری اشغالی، مشروعیت بخشیدن به پنج شهرک جدید و اجرای قوانین این رژیم در مناطق تحت کنترل اداری تشکیلات خودگردان فلسطین اتخاذ کرد که یک اقدام عملی از سوی کابینه رژیم اشغالگر فاشیست برای پیش بردن برنامه‌های اسموتزیت تدریجی به منظور کنترل کامل کرانه باختری است.» در بخش دیگری از این بیانیه تأکید شده است: «سازمان ملل متحد و جامعه بین‌المللی باید گام‌های عملی فراتر از محکومیت بردارند و برای توقف این اقدامات که نشان‌دهنده تلاشی خطرناک برای از بین بردن ارمان ملت ما و حمله به حق آنها در سرزمین خود و تعیین سرنوشت‌شان است، تلاش کنند. ما تأکید می‌کنیم که تمام برنامه‌های کابینه رژیم اشغالگر فاشیست، برای تسلط بر کرانه باختری، آواره کردن ملت ما و از بین بردن مسئله فلسطین شکست خواهد خورد و به صخره اراده فلسطینی‌ها و موج مقاومت در شهرها،

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

با کاندیداهای پوششی چه باید کرد؟



شادی مکی

گزارشگر هم‌میهن

دوره‌ای دیگر از انتخابات ریاست جمهوری از راه رسید و شهروندان روز گذشته برای انتخاب نهمین رئیس جمهور پای صندوق‌های رای حاضر شدند، این بار اما یک‌سهم زودتر از موعد. این دوره از انتخابات اما برخلاف انتخابات ۱۴۰۰

پرافت‌وخیز بود. زیرا در حالی که یک‌سوم انتخابات ۴ کاندیدا از جبهه اصولگرایان حاضر بودند که سعی در تقویت مواضع یکدیگر داشتند اما در سمت دیگر ماجرا تنها یک نفر از جبهه اصلاح‌طلبان یعنی مسعود پزشکیان به عنوان نامزد ریاست جمهوری قرار داشت؛ فردی که مانع از یکدستی نام و تمام جبهه

رقیب شد. در این بین همانطور که انتظار می‌رفت و کماکان همه شهروندان می‌دانستند، سیدامیر حسین قاضی‌زاده‌هاشمی و علیرضا زاکانی از ادامه حضور در انتخابات به نفع جبهه انقلاب کناره‌گیری کردند تا هواداران‌شان به نفع یکی دیگر از کاندیداهای این جبهه (قالیباف یا جلیلی) رای دهند. در این بین اما اتفاق دیگری رقم خورد و بر خلاف انتظار مردم محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی نتوانستند بر سر کناره‌گیری یکی به نفع دیگری به اجماع برسند. هر دو

نفر آنها در پیام‌هایی تأکید کردند که «تا آخر ایستاده‌ایم». در این بین اخباری هم مبنی بر برگزاری جلسه‌ای اضطراری با میانجیگری محسن رضایی برای کنار رفتن سعید جلیلی به نفع قالیباف، منتشر شد؛ جلسه‌ای که البته بی‌نتیجه ماند.

با قوت گرفتن اخبار منتشرشده درباره عدم اجماع این دو کاندیدای جبهه انقلاب، سیدمحمود رضوی، مشاور قالیباف با انتشار پیامی در شبکه ایکس بر خبرها صحت گذاشت: «تمام تلاش ما برای اجماع کاندیداهای جبهه انقلاب در آخرین ساعات پنجشنبه بی‌نتیجه ماند. با حمایت علما، روحانیون، نخبگان، مادحین، جوانان، و... از آقای قالیباف فردا با اجماع مردم برای عدم بازگشت

دولت سوم روحانی در کنار هم به قالیباف رای خواهیم داد.» قالیباف هم در شبکه ایکس نوشت: «از بردارن عزیز آقای زاکانی و قاضی‌زاده که مطالبات نیروهای انقلاب در راستای ایجاد ائتلاف و وحدت را لیبک گفته‌اند تشکر می‌کنم، روشنگری در خصوص پروژه بازگشت به دهه نود و دفاع از میراث شهید رئیسی جز با مجاهدت آنها ممکن نمی‌شد. تا آخر ایستاده‌ایم تا دولتی کارآمد و انقلابی تشکیل شود.» جلیلی هم البته ساکت نماند و در شبکه ایکس مصرانه نوشت: «اکنون که اقبال پرشور شما را دیده‌ام، از هر زمان دیگر مصمم‌ترم تا شانه

زیر بار مسئولیت دهم الان وقت درنگ نیست؛ وقت تردید نیست. من روی همه‌ی مردم ایران حساب باز کرده‌ام.» با توجه به ترویج حضور کاندیداهای پوششی و حتی اصرار بر حضور چنین افرادی در انتخابات که در دوره‌های اخیر مورد توجه برخی از سیاسیون قرار گرفته است، هم‌میهن حضور این نوع نامزدهای انتخاباتی را مورد بررسی قرار داده و این سوال را مطرح کرده که حضور این نوع نامزدها به چه علت است و قوانین موضوعه کشور در این باره چه می‌گویند؟

فاجعه کاندیداهای پوششی برای واقعه ملی

«انتخابات به تدریج به ابتداء کشیده شده»؛ این وصف مرتضی مبلغ، معاون سیاسی-امنیتی وزارت کشور در دولت اصلاحات، از شرایط انتخابات در کشور است. او به هم‌میهن می‌گوید: «البته در این دوره شورای نگهبان

حداقلی از عقلانیت رای به خرج داد و سعی کرد با رقابتی کردن انتخابات، کاهش مشارکت چشمگیری را که در دوسه دوره قبل شاهد بودیم، کاهش دهد که جای تقدیر دارد. اما ابتدایی که از آن صحبت می‌کنم معنای دیگری دارد. دو کاندیدای پوششی که در این دوره حضور داشتند در انتخابات ۱۴۰۰ هم مورد تأیید قرار گرفته و باز هم نامزدهای پوششی بودند که از انتخابات کناره گرفتند. چقدر در مناظرات، این دو نفر لحن پراکنی و بددهنی کردند؟ این میزان صدمه به

بیت‌المسال و رفتارهای غیر اخلاقی عجیب است.» او ادامه می‌دهد: «هبری گفته‌اند که باید اخلاقی رعایت شود. اما این افراد که ادعای ذوب در رهبری دارند، بدترین لحن پراکنی‌ها را بروز می‌دهند. منظور من از ابتداء همین است. از دیگر سو شاهد هستیم که بسیاری از شخصیت‌های ارزشمند از هر دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا در انتخابات ثبت‌نام کرده بودند اما به جای آنها افرادی تأیید صلاحیت می‌شوند که از ابتدا وضعیت‌شان مشخص است. اینکه عده‌ای هرگونه که می‌خواهند و با سبک و سیاق خودشان سرنوشت انتخابات را به عنوان مهم‌ترین واقعه ملی رقم بزنند، ابتداء است. این موضوع برای نظام و برای

زیرساخت مهم آن یعنی مشارکت مردم، یک فاجعه است.»

مبلغ معتقد است تنها هدف زاکانی و قاضی‌زاده‌هاشمی از حضور در انتخابات ۱۴۰۰ و ۱۴۰۳ تخریب رقبا و پوشش برخی نامزدهای دیگر بوده است: «این افراد فضای مناظره را آلوده کردند و یک فرد راستگو و نجیب را که در صحنه حاضر شده بود، مورد حمله قرار دادند؛ موضوعی که مردم هم متوجه آن شده بودند. رفتار مذکور در این دوره فاجعه‌آمیزتر هم بود. چهار نفر از یک جناح و طرز تفکر را در مقابل یک نفر گذاشته بودند.» این تحلیلگر سیاسی بیان اینکه نباید این دو نامزد پوششی در انتخابات ۱۴۰۳ نیز تأیید صلاحیت



عکس: آرش خاموشی، هم‌میهن

سران در صف انتخابات

چهره‌های سیاسی، با حضور در حوزه‌های مختلف اخذ رای در انتخابات شرکت کردند. رئیس قوه قضائیه در حرم حضرت عبدالعظیم رای خود را به صندوق انداخت. غلامحسین محسنی‌آزاه‌ای با دعوت از همه هموطنان برای مشارکت در انتخابات و حضور در پای صندوق‌های رای، گفت: هر کسی که ایران را دوست دارد و آینده بهتری می‌خواهد امروز پای صندوق رای حاضر شود. محمد مخبر، کفیل ریاست جمهوری و سرپرست قوه مجریه صبح جمعه

در حاشیه بازدید از ستاد انتخابات کشور، رای خود را به صندوق انداخت. مخبر گفت: «مردم براساس مسئولیتی که همیشه احساس کرده و مأموریتی که به لحاظ شرعی دارند، حضور پرشوری در انتخابات داشته باشند. انتظار می‌رود همان حماسه‌ای که در مراسم تشییع رئیس جمهور شهید اتفاق افتاد، در این انتخابات هم رخ دهد.» صادق آملی لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با حضور در شورای نگهبان، رای خود را به صندوق انداخت.

شعار علیه پزشک‌ان

مسعود پزشکیان که در شهری رای خود را به صندوق انداخت، به زبانت حرم حضرت عبدالعظیم نیز و بر سر مزار شهدای گنم و شهید حسین امیرعبداللّه‌یان حاضر شد. پزشک‌ان پس از آن به بهشت زهرا (س) رفت و در یادمان شهدای هفتم تیر، به مزار شهیدان باهنر، رجایی، بهشتی و دیگر شهدای انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی ادای احترام کرد. در جریان حضور این نامزد انتخابات، تعدادی از عناصر تندرو حاضر در این مکان، اقدام به سر دادن شعار

حضر مراجع پای صندوق

آیات عظام مکارم‌شیرازی، بیات زنجانی، نوری همدانی، سبحانی، جوادی آملی، مظاهری، اعرافی، اراکی، شهرستانی (نماینده آیت‌الله سیستانی)، مقتدایی و طبسی از جمله علمایی بودند که روز گذشته ضمن دعوت مردم به حضور، در انتخابات شرکت کردند.

نامزدها کجا رای خود را به صندوق انداختند؟

مسعود پزشکیان تنها نامزد اصلاح‌طلب حاضر در انتخابات چهاردهم، به شهرری رفت و رای خود را در بیمارستان فیروزآبادی به صندوق انداخت. این نامزد انتخابات ریاست جمهوری پیش از شرکت در انتخابات با بیماران، همراهان آنان و کادر درمان حاضر در بیمارستان دیدار و گفت‌وگو کرد. محمدباقر قالیباف رئیس مجلس و دیگر نامزد انتخابات نیز به شهرری رفت و رای خود را در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) به صندوق انداخت. مصطفی پورمحمدی به حسینیه ارشاد رفت. این نامزد ریاست جمهوری به خبرنگاران گفت:

« امروز روز ملت ایران و روز پیروزی ملت انقلابی، وفادار و خوش‌بین به آینده کشور است. ما تلاش خود را می‌کنیم. من و دیگر نامزدها تا به امروز تلاش کردیم و امیدوار هستیم که ملت ما با انتخاب خوب و مشارکت بالا ان‌شاء‌الله امروز را به بهترین روز تاریخ تبدیل کنند.» سعید جلیلی در مسجد امام حسن مجتبی (ع) مشیریه پای صندوق حاضر شد.

گزارش

یک